

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

آزاد ل.

۱۳ جنوری ۲۰۱۲

مقدسات در اسلام

بخش سوم

در جمله مقدسات اسلامی همچنان به اسمای مقدس دیگر بر می خوریم که یکی از آنها براق می باشد. این حیوان را به خاطری مقدس شمرده اند که به گفته محمد جناب شان بر آن سوار شده و به آسمانها رفته اند. اما هیچ کسی در طول تاریخ اسلام ادعای دیدن آن را نداشته فقط خیالی و توهمی موجودی را تجسم و به دنباله روان شان با حاشیه کاریهای خود چنان تفهیمی می نمایند که براقی موجود بوده است ورنه محمد که دروغ نمی گوید؟؟ حال ببینیم علمای اسلامی در باره این موجود مقدس چه می گویند؟

براق در سنت اسلامی نام مرکبی است که محمد ادعا کننده پیامبری در سفر خیالی و شبانه خود که آن را «معراج» می نامند راه بین مسجدالحرام در مکه تا مسجد الاقصا در فلسطین را با آن پیمود و در تمام روایات اسلامی به ارتباط معراج محمد از این براق یاد شده است. پرو فیسوران اسلامی اکثراً این جانور را سفید رنگ و اندام متوازن توصیف نموده اند که نزدیک رانهایش دو بال داشته و سرعت آن چنان بوده که در هر گام خود به اندازه ساحه دید خود پیش میرفته است. در بعضی از روایات همین براق محمد مرکوب پیامبران دیگر مخصوصاً ابراهیم نیز آمده است و از قرن چهاردهم میلادی به بعد مسلمانان براق را در هنر های اسلامی مخصوصاً سبک میناتورری شامل ساختند تا در ذهن مسلمان تجسمی از آن باشد و همچنان مسلمانان دیوار غربی حرم مسجد الاقصی را «دیوار براق» نام نهاده اند.

در باره ریشه کلمه براق داعیان اسلام هم اختلافاتی دارند بعضی می گویند معنی مرکب و برخی آن را از ریشه برق عربی و به معنای درخشش و بعضی ها هم ریشه آن را به دوران قبل از اسلام ارتباط داده اند. این حیوان واقعیت وجودی نداشته و تنها به گفته محمد همچو جانوری بوده و چنان سفری عملی گردیده است. (سفر معراج) تنها ادعا کننده خود محمد است و بقیه علمای اسلام هم هر کدام چیزی در باره آن نوشته اند و این ابراز نظر های مسلمانها به اندازه ای در تضاد همدیگر اند که نمی توان ترسیمی از وجود چنین حیوانی را در ذهن مجسم ساخت بدین ملحوظ می رویم به سراغ فشرده ای از نظر اکثریت عالمان که شاید حیوان شناس هم بوده اند، آن ها می گویند:

براق از چهار پایان بهشت و بسیار تند رو است و جثه ای کشیده داشته و کوچکتر از شتر و بزرگتر از الاغ می باشد یال های پر مو دارد و رنگ جلش سپید است و دو بال نزدیک رانهایش دارد و تا آنجا که می بیند هر گام آن به همانجا می رسد. طبری در تفسیر قرآنش آن را اسپی با گوش های لرزان توصیف کرده است اما در دیگر روایات او صورتی چون انسان داشته و مثل انسان قادر به فهم بوده و هر چه را می شنود. برخی ها هم سرعت بیش از حد و در خشنودگی زیاد آن را دلیل سپیدی پوست او می دانند. اگر چه سیره نویسانی مانند بن هشام، طبری، و بن سعد بالهای روی پای براق را توصیف می کنند که با استفاده از آن ها پاهایش را به سمت جلو می برد ولی محقق «رودی پارت» معتقد است که این توصیفات فقط به معنی سرعت حرکت زیاد براق بوده و در قدیم ها براق را بدون بال دانسته اند و قدیمی ها صعود محمد به آسمانها را از طریق زینه پایه توصیف می کنند و بعضی ها هم یعنی دانشمندان متأخر اسلامی صعود او را به و سیله براق که بال دار بوده، تو صیف نموده اند.

یک تعداد از مسلمانان باور به این دارند که براق مرکبی است با سر یک زن یا فرشته و دم طاووس. که این تصویر از براق در اغلب نقاشی ها و میناتور های اسلامی نیز دیده شده است. در روایاتی در «مجمع البیان» اضافه بر توصیف فوق براق را بادمی چون دم گاو و پاهای شتر مانند و یالی چون یالی اسپ معرفی می کند. محمد حسین طباطبائی چنین می گوید: بنا براین از همین جا می توان حدس زد که منظور از این بیانات مجسم ساختن امر غیر جسمانی و غیر مادی است و به صورت امر مادی به نحو تمثیل و یا تمثل و وقوع اینگونه تمثیلات در کتاب و سنت امری است واضح که به هیچ وجه نمی شود انکارش کرد.

دیوار ندبه یا دیوار براق: در بخشی از احادیث معراج از قول محمد آمده است که او در بیت المقدس از براق فرود آمد. افسار آن را به حلقه ای که پیامبران افسار مرکب خود را بدان می بستند بست. آنگاه داخل مسجد شد و پس از گزاردن نماز گردش آسمانی را به همراهی جبرئیل آغاز کرد. از این رو مسلمانان دیوار غربی مسجدالاقصی را دیوار براق نام نهادند. این دیوار در بین یهودیان به دیوار ندبه مشهور است و آن را بخشی از هیکل سلیمان پیامبر و پادشاه افسانه ای می دانند. و برای آنان نیز مقدس است (تا حال چندین بار بر سر حاکمیت این دیوار بین فلسطینی ها و یهودی ها جنگ های شدیدی در گرفته است) بنا بر پاره ای روایات براق در صعود از بلندی ها دو دستش کوتاهتر از دو پایش می شود و در موقع فرود عکس آن رخ می دهد تا سوار همواره در حالت افقی بماند. بنا بر روایاتی براق مرکب ابراهیم نیز بوده است چنانکه هر گاه ابراهیم می خواست به دیدن هاجر همسرش و اسماعیل پسرش برود براق را برای وی می آوردند و او صبح بر براق سوار شده و از شام حرکت می کرد و بعد از ظهر در مکه به آن ها می رسید و شب هنگام دو باره نزد ساره خانمش بر می گشت. در برخی احادیث اسلامی براق مرکب محمد در روز قیامت نیز گفته شده است. همچنان در کتاب های یهودی و مسیحی مثل سوداپیگرافا – کتاب عهد ابراهیم – کتاب خنوخ و مکاشفات پولس گفته شده که ابراهیم – خنوخ – و پولس بر مرکبهای مشابهی سوار شده و آسمانهای مختلف را سیر کرده اند و یا به نقاط دیگر زمین رفته اند.

به روایت دیگر براق برای اولین بار در سفر شبانه محمد از مکه به مسجدالاقصا ظاهر شد. بنا بر روایتی که از خود محمد نقل شده است و مسلمانان بر آن معتقد هستند آمده است که زمانی که جبرئیل براق را برای او می آورد ابتداء براق سر کشی می کرد اما پس از نهیب و شناختن راکب خود «پیامبر» رام شد. قرآن در سوره الاسراء آیت یک به ارتباط براق و معراج چنین می گوید: پاک و منزّه است خدائی که بنده اش را در یک شب از مسجدالحرام به مسجدالاقصی «که گرداگردش را پر برکت ساخته ایم» برد تا برخی از آیات خود را به او نشان دهیم. چرا که او شنوا و بیناست.

این بود یک سلسله نوشته‌ها و نظریات مسلمانان و دنباله روان در باره یکی دیگر از مقدسات اسلام؟؟ اکنون در قرن بیست و یکم بشریت به کره مریخ می‌رود. به سطح کره مهتاب کمره نصب می‌کنند. فتوحات کیهانی دارند و در تحقیق و بررسی‌های پیرامون کهکشانها شب و روز زحمت می‌کشند و ما نتایج مؤثر علمی آنها را در اکثر موارد زندگی شاهد هستیم. بعد از نظریات گالیله و کوپرنیک، داروین، انشتاین و چند بزرگوار دیگر تغییر کلی در طرز عقیده، بررسی نظام جهان و انسان پیدا شد که متأسفانه در جهان اسلام زحمات و کشفیات آنها اعتباری ندارد چون آنها هیچ کدام مسلمان نبوده و کافر می‌باشند لهذا نظریاتشان از دیدگاه اسلام رد و قابل قبول نیست و همه غلط می‌باشند حالا می‌خواهم به ارتباط این موضوع گوشه‌ای از صحبت‌های آقای محسنی رهبر یک حزب و یا رهبر یک تعداد از هموطنان شریف خود را که از تلویزیون آریانا پخش گردید، فشرده آن گفتار را بنویسم:

جناب‌شان که هفته یک روز (روزهای جمعه) برنامه‌ای از طریق تلویزیون آریانا پخش می‌دارند و موعظه می‌نمایند حدود چند سال قبل در یکی از بیاناتشان فرمودند: (بسیاری از مردم معراج محمد و براق را انکار می‌نمایند می‌خواهم به آنها بگویم که: اگر شما به راکت، سفینه و قمر مصنوعی اعتقاد دارید که به بالا می‌رود این را هم باید بدانید که معراج محمد توسط براق صورت گرفته و می‌توان گفت که خداوند به علم خود همین وسایل امروزی را در آن وقت به شکل دیگر آن به پیامبر اسلام مهیا ساخته و ایشان سفر به آسمانها نموده اند پس چرا این شما بندگان گمراه قدرت خدا را نادیده می‌گیرید؟؟؟) پس بیایید اصلاح شوید و به قدرت‌های خداوند باور داشته باشید اگر نمی‌داشته باشید شما از مشرکین هستید و وقتی که به دوزخ می‌روید باید شکایت نداشته باشید به خاطر اینکه شما گنهکار و مشرک هستید) بلی هموطن. این بود گفتار یک رهبر جهادی که سالها کثافت خور آخوند‌های ایرانی بوده و تغذیه مادی می‌شد.

این همان جانوری است که منافع ایران را برتر از منافع کشورش می‌داند. این همان آدمی است که در زمان جنگ خواهر قومندانش به نام مشتاق را که به جنگ می‌رفت و خواهر چهارده ساله خود را به این فرزند آدم و بنده شیطان به امانت سپرد و جناب‌شان چون عشق پیری طغیان نموده بود با آن طفلک معصوم ازدواج و او را خانم خود ساخت. این بود مختصری در باره معراج، براق و آقای محسنی و اعمال و فتوای‌شان. انسان از قبول همچو خرافات خجالت می‌کشد چه رسد به این که آن را در جمله مقدسات اسلامی دانسته به آن احترام هم داشته باشد و یا عقیده غیر علمی و میان‌خالی را مثل نظریه فوق قبول داشته باشد. می‌توان گفتار و فتوای آدم‌های مثل او را منحيث یک هموطن البته بدون احترام نا دیده گرفت اما نمی‌توان ازدواج او را به امانتی که نزدش گذاشته شده بود و آن «معصوم هم چهار ده ساله بود» را نادیده گرفت. این یک جنایت است. یک خیانت انسانی است. اگر از چنین جرمی باید منصرف شد باید همه بی‌وجدانی‌ها، بی‌ناموسی‌ها و خیانت‌های اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان (پر چمی‌ها و خلقیها) را هم باید نادیده گرفت چون به نظر بنده میان جنایات تره‌کی، حفیظ الله امین، ببرک، نجیب، صبغت‌الله مجددی، ربانی، شورای‌نظار، گلبدین الدین حکمتیار، حقانی، دوستم، محقق، گیلانی، محمدی، مولوی خالص، یونس قانونی، بریالی، جنرال باب‌جان، خلیلی، عبدالله، جنرال ملک، اسمعیل، معلم فرید، گل‌آقا، عطا محمد، جنرال علومی - سید نادر نادری، اسدالله سروری، کشتمند، اسدالله امین، غفار لکنوال، جنرال ملک، محبوب‌الله کوشانی، اتمر، حاجی امین وقاد (معاون گلبدین) قومندان عبدالحق، قومندان زرداد، حاجی امین فروتن (معاون دوم گلبدین) حاجی عبدالقدیر، حضرت علی، سلیمان لایق، دستگیر پنجشیری که فعلاً به فرموده (معروفی صاحب) در اتازونی تشریف دارند- قدوس غوربندی که دیگر نفس نمی‌کشد- شکور دبیر- گلابزوی،

تنی، عطا محمد نور، (یا معلم عطا) ظاهر شاهد، جلال الدین حقانی، امین ارسلانوکر بانک جهانی بچه کاکای یونس خالص، و صد ها خاین و جنایت پیشه اسلامی و غیر اسلامی فرقی گذاشت؟؟ به هر صورت چون صحبت ما روی مقدسات و تحلیل آنها است از بحث روی جنایات رهبران جهادی و دموکراتیک منصرف شده و آن را به وقت دیگر می گذاریم.

ادامه دارد